

شنبه • ۲۳ اسفند ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۶۰ • ۹

|                                                                      |  |  |  |         |  |
|----------------------------------------------------------------------|--|--|--|---------|--|
| <p><b>روزنامه</b></p>                                                |  |  |  |         |  |
| <p><b>جهان • هنر</b></p>                                             |  |  |  |         |  |
| <p><b>سایه ابن عربی بر فیلم «گاو»؛ گفت‌وگو با داریوش مهرجویی</b></p> |  |  |  | صفحه ۱۰ |  |
| <p><b>پیدا و پنهان پرده‌نشینان؛ گفت‌وگو با افسانه زمانی</b></p>      |  |  |  | صفحه ۱۱ |  |
| <p><b>هنر، فرمول پذیر نیست؛ گفت‌وگو با رضا الواسانی</b></p>          |  |  |  | صفحه ۱۲ |  |

| <div>نگاه</div>                                      |
|------------------------------------------------------|
| <div><b>نفس راحت زنان مصری در دوران «سیسی»</b></div> |
| <div><b>ترجمه: نوژن اعتضادالسلطنه</b></div>          |

از زمان پیروزی انقلاب مصر، زنان ایفاگر نقش مهمی در گذار سیاسی آن کشور از طریق مشارکت در انتخابات بوده‌اند. آنها در جریان جنبش ۳۰ژوئن سال۲۰۱۳ نقش مهمی ایفا کردند و به‌تبع آن در همه‌پرسی قانون‌اساسی سال ۲۰۱۴ نیز شرکت کردند؛ انتخاباتی که پیامد آن پیروزی «عبدالفتاح السیسی» در سال۲۰۱۴میلادی به‌عنوان رئیس‌جمهوری مصر بود. اکنون زمان ارزیابی وضعیت زنان مصری در دوران زمامداری سیسی و مقایسه آن با سال‌های پیش از آن فرارسیده است. در اینجا پرسشی که مطرح می‌شود، آن است که آیا تغییری واقعی در رویکرد حاکم بر مصر درباره زنان به وقوع پیوسته است؟

شواهد نشان می‌دهند وضعیت زنان در دوران زمامداری سیسی در مقایسه با دوره حکومت اخوان‌المسلمین بهبود یافته است؛ هرچند برخی از فعالان زن مصری معتقدند زنان آن کشور هنوز راهی طولانی برای رهایی در پیش‌رو دارند. «مونا عمر» دبیرکل شورای ملی زنان مصر در مصاحبه با «المانیتر» می‌گوید وضعیت زنان مصری در حال حاضر بهتر از دوران زمامداری «محمد مرسی» رئیس‌جمهوری مخلوع مصر و نماینده جریان اخوان‌المسلمین است. او توضیح می‌دهد اصول گنجانده‌شده در قانون‌اساسی سال۲۰۱۴ سبب ارتقای موقعیت زنان شد و قانون جدید و اصول مندرج در آن را به‌نفع زنان می‌داند.

در میان اصول موجود در قانون جدید درباره حقوق زنان می‌توان به اصل ششم درباره حقوق شهروندی اشاره کرد. در این اصل آمده است: «شهروندی حقی است برای هر فردی که از پدر و مادر مصری به دنیا آمده باشد. در اصل یازدهم به برابری زن و مرد در تمام حوزه‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شده و دولت مصر خود را متعهد به تضمین حفظ این حقوق کرده است. همچنین در اصل ۱۸۰ قانون‌اساسی جدید مصر در حوزه جایگاه سیاسی زنان آمده است هرواحد محلی انتخاباتی از طریق رای مخفی برای انتخاب اعضای شورا خواهد داشت و در این‌میان یک چهارم از کرسی‌ها به زنان اختصاص داده شده‌اند.

«عمر» نسبت به بهبود وضعیت زنان مصری در دوران زمامداری «سیسی» امیدوار است. او به دیدار رییس‌جمهوری مصر با دختری که در میدان تحریر مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود، اشاره می‌کند و می‌گوید این برای اولین‌بار در تاریخ کشور مصر بود که یک‌رییس‌جمهور از دختری دیدار می‌کرد که قربانی آزار وادیت شده بود. این بازدید توجه مقام‌های علاقه‌مند به بررسی موضوع آزار و اذیت زنان مصری را به‌سوی خود جلب کرد. علاوه بر آن، وزارت‌رحم مصر ادارات پلیس را در تمام نواحی جرم‌خیز به منظور مقابله با جرایم مرتبط با خشونت علیه زنان دایر کرده و همچنین افسران زن را منصوب کرده است. عمر معتقد است علامت اصلی بهبود وضعیت زنان در زمان زمامداری «سیسی» انتصاب «فایزه ابوالنجا» به‌عنوان رییس مرکز مشاوره امور امنیت‌ملی بوده است. او نخستین زنی است که در مصر و خاورمیانه به چنین مقامی دست یافته است. «نهاد ابوبقلمصان» رییس مرکز مجسمه برای بهبود وضعیت کلی آنان نیست. زنان هنوز هم در بازار در گفت‌وگو با «المانیتر» می‌گوید وضعیت کنونی زنان مصری بهتر از دوران «مرسی» است. «دینا الخواجه» پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه «اقتصاد و علوم‌سیاسی» دانشگاه قاهره نیز با این دیدگاه موافق است بااین‌حال می‌گوید وضعیت زنان در مصر بدون هیچ‌گونه شواهد عینی بهبود یافته است. او تأکید می‌کند: نمایندگی سیاسی زنان، شاخصی برای بهبود وضعیت کلی آنان نیست. زنان هنوز هم در بازار کار در حاشیه قرار گرفته‌اند و در حوزه عمومی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. او اشاره می‌کند در جریان تغییر ۱۷فرماندار جنبشی برای انتصاب سه‌معاون و مقام‌ارشد زن از مناطق قاهره، گیزا و اسکندریه آغاز شد. بااین‌حال، «عمر» بر این باور است که این تعداد همخوانی‌ای با میزان واقعی جمعیت زنان در جامعه مصر ندارد.

در گزارشی از سوی «عفو بین‌الملل» تحت‌عنوان «چرخه‌های جهنم: خشونت خانوادگی، عمومی و دولتی علیه زنان در مصر» به ابعاد گوناگون این موضوع پرداخته شده است. در این گزارش تأکید شده خشونت علیه زنان مصری همچنان از سوی دولت و خانواده ادامه دارد و تلاش‌های زنان مصری برای مقابله با مقولاتی چون حذف خشونت علیه زنان و تعرض جنسی تاکنون کافی نبوده است. در این گزارش همچنین اشاره شده اقدامات صورت‌گرفته برای بهبود وضعیت زنان و دخترانی که مورد آزار و خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند نیز به اندازه کافی نبوده است.

خواجه معتقد است دولت‌های پیشین مصر با موضوع حقوق زنان به‌عنوان موضوعی جداگانه مواجه نشده‌اند. در مقابل، دولت‌ها پیایی در آن کشور این‌موضوع را در ارتباط با مسایلی چون منافع ملی و امنیت مورد بررسی قرار داده‌اند. او اشاره می‌کند خواسته‌های زنان عمدتاً تحت‌الشعاع اهداف کلان‌تری از جمله رهایی ملی در زمان «جمال عبدالناصر» رئیس‌جمهوری پیشین مصر، نهادسازی در دوران زمامداری «انور سادات» یا نبرد ملی علیه تروریسم در دوران «حسنی مبارک» قرار گرفته بود. او باور دارد که دولت‌های مصر از مطالبات و حقوق زنان به‌عنوان مساله‌ای فرعی و در راستای جلب حمایت عمومی به‌منظور پیشبرد اهداف سیاسی‌شان بهره‌برداری کرده‌اند. در نتیجه، از دید دفعالان حقوق زنان در مصر دولت سیسی باید پس از برگزاری انتخابات پارلمانی در ماه‌آوریل آینده مساله زنان را در دستورکار قانونی مجلس آینده قرار داده و برای تشویق زنان به‌منظور مشارکت بیشتر در عرصه حیات عمومی و سیاسی مصر اقدامات موثرتری را انجام دهد.

منبع: المانیتر

#### یادداشت

#### چه‌کسی بزرگ‌ترین قهرمان است

**ترجمه: اردلان صالح‌زاده**

مصطفی کمال پاشا، مشهور به آتاتورک همه‌جای ترکیه حضور دارد. برتره‌اش در مغازه‌ها، ادارات و اتاق‌های نشیمن آویخته شده، چهره‌اش روی تی‌شرت‌ها، کارت‌پستال‌ها و پوسترها چاپ شده و می‌توان امضایش را همچون یادگاری ادر شکل[ چاقوهای جیبی و ابزار تحریر نیز یافت. آتاتورک، بنیانگذار جمهوری است و با مهارت‌های نظامی و جاه‌طلبی سیاسی ترکیه مدرن را بر خرابه‌های امپراتوری عثمانی در سال۱۹۲۳ ساخت. او الفبای عربی را منسوخ کرد و دین و دولت را از هم جدا کرد و به‌دنبال راهی برای ارتباط با غرب بود. من متوجه‌شدم که انتقادهای بسیار ناچیزی در مورد بنیانگذار ترکیه به گوش می‌رسد. هرچه باشد او نظراتش را با روش‌هایی خشن و بیرحمانه به کرسی نشاندۀ بود؛ معلمانی که از به‌اکگریری الفبای لاتین امتناع می‌ورزیدند اخراج می‌شدند. حجاب در مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و مراکز قضایی ممنوع شد. مردانی که در مقابل ممنوع‌شدن استفاده از کلاه فس (کلاه قرمزی که مردان در دوران امپراتوری عثمانی بر سر می‌گذاشتند) دست به اعتراض زدند، اعدام شدند. آتاتورک استفاده از کلاه فس را ممنوع کرد و به‌جای آن کلاه مدرن ترکی را رائج کرد. میلیون‌ها انسان از جمله ارمنیان و یونانیان، [از ترکیه] گریختند. امید کرد‌ها به تشکیل دولتی برای خودشان به یاس مبدل شد. تشکیل جمهوری یک زخم روحی بود. آتاتورک این موضوع را نادیده گرفت که نمی‌توان فرهنگی جدید را با خشونت به کرسی نشاند. او [پس از خود] یک جامعه برج‌گذاشت، جامعه‌ای با درمانی سکولار و قشر بزرگی از نظامیان برای مدرن‌ماندن، که در آن مردم دیندار احساس می‌کردند که از آن محرومند. اما اردوغان می‌گوید: «ما نسل نوینی از دیداران را خواهیم ساخت»، اگر چه آتاتورک دین را از زندگی عمومی جدا کرده بود. این اواخر در برخی از مدارس روز تولد آتاتورک جشن گرفته نمی‌شود. گفته می‌شود که در کاخ عظیم تازه اردوغان بنیان هیچ پرتره‌ای از آتاتورک روی دیوارها آویزان می‌شد، اما پس از انتقادات داخلی، در اولین نشست کابینه [پرتره‌ای از آتاتورک] نصب شد. همچنین رییس‌جمهور اردوغان دیدگاه‌هایش را بیرحمانه بیان می‌کند: گروهی از زنان اواخر این هفته در اعتراض به قتل و تجاوز به یک دانشجوی ۲۰ساله دختر رقص‌کنان تظاهرات کردند، او به‌تندی آنان را مورد انتقاد قرار داد و گفت: این بخشی از فرهنگ ترکیه نبود. به‌نظر می‌رسد که بخش زیادی خانم کلیتوین همچنان قادر به ایجاد شور و شوق واقعی در زمینه‌های مختلف حزب هست یا نه؟ به نظر می‌رسد این آژمونی است که ارزش امتحان‌کردن داشته باشد. دموکرات‌ها باید نگران باشند که ممکن است هیلاری کلیتوین به نسخه معاصر و دموکرات «باب دال» در ۱۹۹۶تبدیل شود؛ یک سیاستمدار بزرگ و یک نامزد فرضی که مورد تحسین جهان بود اما زمانی که روی او کاملاً حساب می‌شد، به اندازه کافی رای نیاورد.

منبع: انجیلک



# آغازی بر پایان چاوایسم

**ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی**

البته این راننده تاکسی در مورد وضعیت کشورش دچار توهم نیست و اقرار می‌کند: ما مشکلات زیادی داریم. این مشکلات عبارتند از محدودیت دولتی و قهرمان‌سازی سالانه و گرامیداشتی از یک‌قدیس سکولار یاد کرد. پرزیدنت هوگو چاوز در پنجم ماه مارس سال ۲۰۱۳ در ۵۸سالگی و پس از مبارزه پنج‌ساله با سرطانی که نوع و جزیات آن هرگز از سوی رژیم اعلام نشد، درگذشت و حال دوسال پس از آن روز، بار دیگر مراسم سالروز مرگ او آن هم به مدت ۱۰روز برگزار شد و طی این مدت شاهد آتش‌بازی‌ها، تجمع‌ها، بحث‌ها و پخش برنامه‌های ویژه از تلویزیون‌های دولتی و انتشار ویژه‌نامه‌های مختلف از سوی مطبوعات وفادار به چاوز بودیم.

|                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| دوسال پیش این راننده تاکسی یعنی مانوئل لوپز (که از ترس جانش نمی‌خواهد نام واقعی خود را بگوید) هم در میان آن صدها هزار نفری بود که از مقابل تابوت چاوز رژه می‌رفتند. در آن زمان بیش از ۳۰رییس‌جمهور و روسای دولت‌های مختلف جهان در مراسم خاکسپاری چاوز شرکت کردند. |
| <div><span></span></div>                                                                                                                                                                                                                                          |
| <div><b>پرزیدنت مادورو تنها با تشدید سرکوب به مشکلات واکنش نشان می‌دهد و اولویت نخست برای او پیروزی در انتخابات پارلمانی است که در اواخر سال جاری برگزار خواهد شد.</b></div>                                                                                      |
| <div><span></span></div>                                                                                                                                                                                                                                          |

است و هرلپتر بنزین معمولی به قیمت ۰/۰۷۰/لیولار به فروش می‌رسد. به این‌ترتیب تنها با معادل دودلار آمریکا می‌توان یک‌باک بزرگ ۷۰۰لیتری را پر از بنزین کرد. دولت ونزوئلا برای تأمین بنزین ارزان برای رانندگان این کشور سالانه ۱۲میلیارد دلار یارانه پرداخت می‌کند. افزون بر آن بنزین ارزان‌قیمت این کشور به‌راحتی به کشورهای همسایه یعنی کلمبیا و برزیل قاچاق می‌شود و بر اساس آمار رسمی، هرساله ۲/۲میلیارد دلار از این راه به قاچاقچیان سود می‌رسد. بر اساس اطلاعات موجود، سران این کارتل قاچاق بنزین همان افسران ارتش و مرزبانان و کارکنان کنسرسیوم نفتی و دولتی موسوم به PDVSA هستند. اینکه اندیشه چاوایسم تا چه اندازه همچنان در جامعه ونزوئلا ریشه دارد، امری است که نظرات متفاوتی در مورد آن ارایه می‌شود. «جان ماگدانلو»، سیاست‌پژوه و کارشناس ارشد امور افکارسنجی در دانشگاه کاراکاس می‌گوید طبق نظرسنجی‌های موجود در اکتبر ۲۰۱۲ یعنی شش‌ماه

## حضور نفس گیر هیلاری کلیتتون

**ترجمه: نقیسه کریمی**

در این میان، جمهوریخواهان به‌سرعت پست‌های فرمانداری و ریاستی را از آن خود کردند و یک دلیل مهم‌تر اینکه احتمالاً حضور خانم کلیتتون رقبای احتمالی را ترسانده است. به نوشته روزنامه «واشنگتن‌پست»، به خاطر تمام تلاش‌های مثبت خانم کلیتتون و حضور موفقش در سمت وزیر خارجه پیشین، رقابت‌های درون حزبی ریاست‌جمهوری برای سایر رقبا بسیار نفسگیر خواهد بود.

بیش از سه‌دهه است که تشکیلات کلیتتون به‌طور گسترده‌ای در آمریکا و تقریباً بدون هیچ مداخله‌ای در حال کار است و این امر باعث شده هیلاری کلیتتون در حزب خود هیچ همتایی نداشته باشد. تسلط او بر دستگاه دموکرات‌ها، از جمع‌آوری کمک‌های مالی گرفته تا برنامه‌ریزی‌های مردمی به قدری زیاد است که تقریباً کسی جسارت امتحان‌کردن شانس خود را در برابر خانم کلیتتون ندارد. «ممکن است حضور پرقدرت کلیتتون باعث هراس رقبای احتمالی او نیز شده باشد. یا ممکن است تشکیلات دموکرات هراسان از تفکر دولت جمهوریخواه متحد، زودتر از موعد مقرر روی شگفت‌انگیزترین مهره شناخته‌شده خود سرمایه‌گذاری کرده تا هشدار ی برای متقاضیانی باشد که ممکن است در نبرد مقدماتی، خانم کلیتتون را تضعیف کنند. با وجود شکست‌های اخیر دموکرات‌ها در انتخابات کنگره، به نظر می‌رسد همچنان شانس پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری بیشتر باشد. پس چه لزومی دارد چنین جبهه‌ای روی شخص دیگری ریسک کند که شکست فاجعه‌باری را به بار آورد؟ اکنون برای دموکرات‌ها زمان رویاپردازی نیست. شاید بیشتر افراد در اعماق قلبشان از جدال خانم ورن با ثروتمندان هیجان‌زده باشند، اما وقتی نمی‌توانند به هیچ‌کس به اندازه خانم کلیتتون در تحمل حملات جمهوریخواهان اطمینان داشته باشند، باید امیدوار بمانند افرادی نظیر

ما نمی‌دانیم آنچه را که از پنجم تا ۱۵ماه مارس در ونزوئلا جریان دارد، چه می‌توان نامید. شاید بتوان از آن به‌عنوان ملغمه‌ای از سوگواری دولتی و قهرمان‌سازی سالانه و گرامیداشتی از یک‌قدیس سکولار یاد کرد. پرزیدنت هوگو چاوز در پنجم ماه مارس سال ۲۰۱۳ در ۵۸سالگی و پس از مبارزه پنج‌ساله با سرطانی که نوع و جزیات آن هرگز از سوی رژیم اعلام نشد، درگذشت و حال دوسال پس از آن روز، بار دیگر مراسم سالروز مرگ او آن هم به مدت ۱۰روز برگزار شد و طی این مدت شاهد آتش‌بازی‌ها، تجمع‌ها، بحث‌ها و پخش برنامه‌های ویژه از تلویزیون‌های دولتی و انتشار دوسال پیش این راننده تاکسی یعنی مانوئل لوپز (که از ترس جانش نمی‌خواهد نام واقعی خود را بگوید) هم در میان آن صدها هزار نفری بود که از مقابل تابوت چاوز رژه می‌رفتند. در آن زمان بیش از ۳۰رییس‌جمهور و روسای دولت‌های مختلف جهان در مراسم خاکسپاری چاوز شرکت کردند.

لوپز همراه با همسر و فرزندانش در محله‌ای واقع در غرب پایتخت زندگی می‌کند؛ همان محله‌ای که دیوارهای مجتمع‌های آپارتمانی آن منقش به پرتره‌های بسیار بزرگ «فرمانده هوگو چاوز» است. و یا فقط سخنانی از آن رییس‌جمهور فقید بر دیوارها نقش بسته است. در برخی از این نقاشی‌ها چاوز سوار بر دوچرخه، خوابیده در نئو یا در حال تیراندازی با مسلسل دیده می‌شود. تبلیغات رژیم پرزیدنت «نیکلاس مادورو» (که درواقع در همان دوران چاوز جانشین قطعی او به‌شمار می‌رفت) به نحوی است که تنها با نگاهی به این نقاشی‌های دیواری در کاراکاس و دیگر شهرها، می‌توان دریافت چاوز همچنان زنده است و بر همه چیز نظارت دارد. بااین‌حال، این راننده تاکسی یعنی لوپز دوسال پس از مرگ چاوز همچنان طردار «چاوایسم» است. چاوایسم درواقع لقبی است که هواداران آن افسر چتربازی که به ریاست‌جمهوری رسید، به ایدئولوژی سوسیالیستی او داده‌اند. لوپز از اپوزیسیون ونزوئلا یا همان نیرویی که پرزیدنت مادورو خواب قلع‌وقمع‌کردن آن را می‌بیند، اصلاً خوشش نمی‌آید: «آنها انسان نیستند، بلکه حیوان هستند. خودتان ببینید چه سانی از اپوزیسیون حمایت می‌کنند. ایالات‌متحده آمریکا نه‌تنها در امور کشور ما دخالت می‌کند، بلکه می‌خواهد بر همه دنیا حکومت کند. اما دنیا عوض شده است. چینی‌ها طرف ما هستند و به ما کمک می‌کنند بدون آنکه نیت تحت‌کنترل‌درآوردن ما را داشته باشند.»

مدعیان کسب سمت ریاست‌جمهوری آمریکا از حزب جمهوریخواه تعدادی از محافظه‌کاران میانسال و سالمند هستند اما در مقابل از حزب دموکرات فقط «هیلاری کلیتتون» بانوی نخست سابق آمریکا حضور دارد. میانگین سنی دموکرات‌ها ۶۹ سال است. اما جبهه جمهوریخواه با میانگین سنی ۵۷ سال نسبتاً جوان‌تر است.

اما هنوز مشخص نیست که رقابتی جدی را پیش‌رو داشته باشد. ممکن است «جو بایدن» معاون اول «باراک اوباما» رییس‌جمهوری آمریکا، وارد عمل شود؛ هرچند آمار رای او در درودوم معاونت ریاست‌جمهوری ناامیدکننده بود. «مارتین اومالی» فرماندار سابق ایالت مریلند نیز ممکن است با پیش‌گذازد و «جان وب» سناتور پیشین ویرجینیا هم یکی از گزینه‌های موجود است. «رئی سندرز» سوسیالیست تندخو و موردعلاقه مجلس سنای آمریکا نیز ممکن است از این فرصت استفاده کند. «الیزابت ورن» هم احتمالاً یکی از کاندیدها خواهد بود.

در اوایل رقابت سال ۲۰۰۸ به نظر می‌رسید پیروزی بی‌چون‌وچرای میدان رقابت خانم کلیتتون است. اما باراک اوباما که یک استعداد سیاسی بی‌نظیر بوده و هست، از راه رسید و پیش‌بینی‌ها را تغییر داد. به نظر می‌رسد این‌بار نیز اگر فرد قابل مقایسه‌ای با او در نیمکت ذخیره دموکرات‌ها وجود داشته باشد، فعلاً با چراغ خاموش در انتظار زمان مناسب نشسته است. اما چرا در میان دموکرات‌ها کسی انگیزه چندانی برای پاکداشتن به عرصه رقابت ندارد؟ یک توضیح احتمالی برای حضور کم‌رنگ دموکرات‌ها می‌تواند این باشد که اخیراً بیشتر استعدادها در نطفه خفه شده‌اند. در دوانتخابات میان‌دوره‌ای گذشته شاهد کم‌رنگ‌شدن نفوذ دموکرات‌ها در کاخ سفید در ۲۰۱۰ و سپس ۲۰۱۴ در مجلس سنا بودیم.